

نکته‌ها و یادداشت‌ها

# نکاتی درباره آثار برادران هارونی

● محمدکاظم رحمتی

یکی از مسائلی که درباره زیدیه ایران به آن کمتر توجه شده، اهمیت فکری - فرهنگی این جریان است و در این میان جایگاه برادران هارونی، المؤید بالله احمد بن حسین و الناطق بالله یحیی بن حسین به دلیل تأثیر فراوانی که بر زیدیان پس از خود نهاده‌اند، اهمیت فراوانی دارد. همچنین سنت زیدیه که این دو برادر به عالمان بعد از خود انتقال دادند، بعدها توسط زیدیان مهاجر از ایران به یمن در آنجا تداوم یافت و بخشی از سنت زیدیه یمن را تشکیل داد.

المؤید بالله ابوالحسین احمد بن حسین هارونی (متوفی ۴۱۱ ق) مهم‌ترین منبع ما درباره شرح حال المؤید بالله هارونی، کتابی با عنوان سیره امام الهدی المؤید بالله تألیف المرشد بالله یحیی بن حسین شجری (متوفی ۴۷۷ ق) است که در چند نسخه خطی باقی مانده است. این کتاب مورد استفاده حمید بن احمد محلی (متوفی ۶۵۲ ق) در کتاب ارزشمند الحدائق الوردیه بوده و بخش اعظمی از مطالب منقول در شرح حال ابوالحسین هارونی، برگرفته از این کتاب است. المرشد بالله درباره هارونی چنین نوشته است: «ولد بأمل طبرستان فی الکلاذجة المنسوبة الیهم سنة ۳۳۳ و تأدب فی صباه حتی برع فیه و اختلف إلى أبی العباس الحسنی رضی الله عنه و أخذ عنه مذهب الزیدیه و الکلام علی طریقه البغدادیه و باین مذهب الامامیه لما اتضح له الحق و باین آباه و حاحه فیه و جادله و تبع الدلیل و ترک التقليد و النشوء و اختلف أيضاً إلى ابی الحسن علی بن اسمعیل بن ادریس و قرى علیه فقه الزیدیه و الحنفیه و روی عنه الحدیث عن الناصر علیه السلام...» (برگ ۱b).

**اشاره:**

روود عالمان زیدی مذهب به نواحی جبال وری در میانه قرن سوم هجری و تشکیل دولت زیدیه در آن مناطق از بعد تاریخ نگاری سیاسی مورد توجه محققان قرار گرفته است، ولی در این میان به جنبه‌های فرهنگی - فکری این جریان به جز یک استثناء مهم و آن هم کتاب محقق عالی مقام ویلفرد مادلونگ امام قاسم بن ابراهیم و معتقدات زیدیه (برلین، ۱۹۶۵) نپرداخته است، گرچه دلیل اصلی این موضوع بیشتر کمبود منابع یا بی توجهی محققان بوده است. چاپ متون زیدیه در سالیان اخیر، این امکان را فراهم آورده است تا بتوان بیشتر از این جنبه‌های مغفول سخن گفت. در این میان جایگاه برادران هارونی اهمیت فراوانی دارد که این نوشتار اشاراتی در این باره است.

از آنچه المرشد بالله دربارهٔ هارونی نقل کرده است، این مطالب را می‌توان نتیجه گرفت: ۱ - هارونی در کلاذجه آمل طبرستان به دنیا آمد و در همانجا نزد پدرش مقدمات اولیه را فرا گرفت، سپس به بغداد رفت و در آنجا تحت تأثیر ابوالعباس حسنی (زنده در ۳۵۶ ق) به زیدیه گروید. سپس به طبرستان بازگشت و به فراگیری فقه زیدیه نزد ابوالحسین علی بن اسماعیل پرداخت که از شاگردان ناصر اطروش حسن بن علی (متوفی ۳۰۴ ق) بوده است. همچنین هارونی نزد ابوعبدالله حسین بن علی بصری (متوفی ۳۶۷)، قاضی عبدالجبار معتزلی (متوفی ۴۱۵) دو متکلم نامدار معتزلی نیز شاگردی کرده است.<sup>۲</sup> هارونی شاگردان متعددی داشته است که از جمله آنها به ابوداود سلیمان بن جاوک<sup>۳</sup>، علی بن بلال آملی<sup>۴</sup>، قاضی یوسف جیلی<sup>۵</sup>، ابوالقاسم حسن (حسین) بن تال هوسمی<sup>۶</sup>، احمد بن ابی هاشم مانکدیم<sup>۷</sup>، الموفق بالله حسین بن اسماعیل شجری<sup>۸</sup> می‌توان اشاره کرد.

آثار هارونی: ۱ - الامالی الصغری، یکی از متون کهن حدیثی زیدیه، امالی مختصری به نام الامالی الصغری تألیف المؤید بالله احمد بن حسین هارونی است.<sup>۹</sup> این امالی که فقط مشتمل بر بیست و شش حدیث است با حکایتی از مرادده علمی بین صاحب بن عباد (متوفی ۳۸۵) و ابواحمد عسکری (متوفی ۳۸۲)، مؤلف کتاب مهم الزواجر و المواعظ خاتمه یافته است. تأمل در اسناد این کتاب نشان دهنده آن است که این کتاب تخریجی از چند متن کهن تر است. مثلاً، چند حدیث از کتاب یا مجموعه‌ای حدیثی از احادیث یغتم بن سالم بن قنبر یا ابن

سلسله سند تخریج شده است: «اخبرنا ابو نصر منصور بن محمد الرویانی قال حدثني ابو الحسن علي بن عبد الله الخزري حدثنا عبد الغني [بن رفاعه] عن يغمم [بن سالم بن قنبر] (ص ۸۱-۸۸، ۹۰، ۹۳).<sup>۱۰</sup> منبع دیگر هارونی، احتمالاً کتاب البساط ناصر اطروش (متوفی ۳۰۴ ق) یا رأب الصدع محمد بن منصور مرادی است. در هر حال این روایات با این سلسله سند نقل شده است: «اخبرنا ابو عبدالله محمد بن عثمان النقاش قال اخبرنا الناصر للحق الحسن بن علي عن محمد بن منصور المرادی» (ص ۹۴-۹۹، ۱۰۱-۱۰۳). این کتاب نخست به کوشش عبدالواسع الواسعی به چاپ رسیده، ولی چاپ تحقیقی این کتاب همراه با معجم الرواة فی امالی المؤید بالله علیه السلام به کوشش محقق فاضل زیدی، عبدالسلام بن عباس الوجیه (صده: دار التراث الاسلامی، ۱۴۱۴) منتشر شده است.

۲ - کتاب النبوات، کتاب مختصر و مهمی در باب تنزیه الانبیاء و دلائل النبوة نگاری است. این کتاب در چهار باب، همراه با مقدمه‌ای دربارهٔ سبب بعثت پیامبر آغاز شده و هارونی در باب اول با عنوان البیان عن اعجاز القرآن به تفصیل از فصاحت عالی قرآن، چه ویژگی قرآن معجزه است و مسائلی دربارهٔ تحدی قرآن عنوان کرده است.<sup>۱۱</sup> باب دوم به بیان احادیث نقل شده دربارهٔ معجزات پیامبر (دلائل النبوة) نقل کرده است. باب سوم، یکی از فصول بسیار جالب توجه است و هارونی در این باب به بیان عبارات‌هایی از عهد عتیق و اناجیل در اثبات نبوت پیامبر پرداخته که با توجه به قدمت کتاب اهمیت فراوانی دارد. باب

احادیث کتاب نوشته‌اند: «ولم أکن أشعر بضرورة تخريج الأحادیث، لانه يعتبر من امهات کتبنا الحدیثیه، التي تلقاها ائمتنا بالقبول» (ص ۳۸)، توجیه آقای عزیزی گرچه از جهتی یعنی یک فرد زیدی قابل قبول است، از سوی دیگر قابل پذیرش نیست. عصری که الناطق بالحق در آن می‌زیسته، دورانی بوده که متون حدیثی فراوانی به صورت مکتوب رواج داشته و الناطق بالحق نیز از این آثار به واسطه مشایخ خود روایاتی را تخریح کرده است. اهمیت استخراج مصادر این احادیث، تأییدی بر وثاقت احادیث نقل شده است. تحقیق کامل درباره مصادر کتاب هارونی نیاز به تأمل و گاه دست‌یابی به برخی مصادر مخلوط دارد. در تأملی اجمالی که بر این کتاب داشتیم، توانستم این مصادر را شناسایی کنم:

۱ - صحیفه الرضا، درباره اهمیت این کتاب در مقاله دیگری به تفصیل سخن گفته‌ام.<sup>۱۹</sup> طریق روایت هارونی به این کتاب چنین است: «اخبرنا ابوالحسن یحیی بن الحسن بن محمد بن عبیدالله الحسنی رحمه الله قال اخبرنا علی بن محمد بن مهرویه القزونی قال حدثنا داود بن سلیمان الغازی...» (ص ۷۶، ۱۰۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۲۱۷، ۳۰۷، ۳۳۱، ۴۱۶، ۴۲۹، ۴۵۷، ۵۱۴، ۵۲۵-۵۲۶، ۵۳۵-۵۳۷، ۵۴۸، ۵۵۱، ۵۷۲، ۵۹۱).

۲ - سنن ابن ماجه، هارونی چند حدیث از این کتاب به این طریق تخریح کرده است:<sup>۲۰</sup> حدثنا ابو عبد الله الحسين بن علی القزونی قال حدثنا علی بن ابراهیم القطان قال حدثنا محمد بن یزید بن ماجه القزونی (ص ۲۰۲، ۲۰۴-۲۰۶، ۲۱۸-۲۱۹).

۳ - المجموع الحدیثی والفقهی، این کتاب به تدوین‌های مختلفی در میان زیدیه رواج داشته است.<sup>۲۱</sup> هارونی نیز از طریق متداول تر نقل این کتاب یعنی تدوین ابوالقاسم عبدالعزیز بن اسحاق بن جعفر الزیدی به روایت ابوعبدالله احمد بن محمد آبنوسی بغدادی<sup>۲۲</sup> از ابن بقال<sup>۲۳</sup> روایاتی را نقل کرده است (ص ۳۰۴، ۳۲۹، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۵۰-۳۵۱، ۳۵۴، ۳۵۹-۳۶۰، ۳۹۵، ۳۹۷-۳۹۸، ۴۰۵، ۴۲۵-۴۲۶، ۴۸۳-۴۸۴، ۵۱۷، ۵۱۹-۵۲۱، ۵۵۶، ۵۷۳-۵۷۵، ۵۷۷-۵۷۸).

۴ - نزهة الابصار ومحاسن الآثار، یکی از مهم‌ترین منابع هارونی، کتاب نزهة الابصار و محاسن الآثار تألیف عالم‌شافعی، ابوالحسن علی بن مهدی طبری (مامطیری) است. این کتاب، یکی از متون کهن حدیثی است که مؤلف آن به تدوین سخنان حضرت امیرعلیه السلام همت گماشته و قدمت این کتاب بر اعتبار آن نیز افزوده است.<sup>۲۴</sup> ظاهراً نسخه خطی از این کتاب در یمن موجود نباشد، هر چند یگانه نسخه

آخر، مؤیدات دیگری بر نبوت پیامبر است. این کتاب بر اساس نسخه کهنی (کتابت ۵۵۱ ق) و با نام اثبات نبوة النبی (به کوشش خلیل احمد ابراهیم الحاج) به چاپ رسیده است.

۳ - سیاسة المریدین، اثر مختصری در عرفان اسلامی است. اهتمام عالمان زیدی به نگارش آثار عرفانی، امر نوظهوری در زمان هارونی نبوده است. دو قرن پیش از وی قاسم بن ابراهیم رسی (متوفی ۲۴۶ ق)، کتابی با عنوان سیاسة النفس نگاشته است.<sup>۱۲</sup> اهمیت کتاب سیاسة المریدین در نقل وصیت نامه‌ای منسوب به جنید بغدادی (متوفی ۲۹۷ ق) است.<sup>۱۳</sup> این کتاب به کوشش عبدالله اسماعیل هاشم الشریف (عمان: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه، ۱۴۲۲) به چاپ رسیده است. از ابوالحسنین هارونی آثار دیگری نیز چون التجرید (در فقه امامان زیدی قاسم بن ابراهیم و الهادی الی الحق) به کوشش عبدالله بن حمود درهم عزیزی (عمان: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه، ۱۴۲۲) و شرح التجرید (دمشق ۱۴۰۵) به چاپ رسیده است.

#### الناطق بالحق ابوطالب یحیی بن حسین هارونی (متوفی ۴۲۴ ق)

ابوطالب یحیی بن حسین هارونی مشهور به الناطق بالحق، برادر المؤید بالله که در سنت زیدیه از وی و برادرش به اخوان یاد می‌شود<sup>۱۴</sup>، بعد از مرگ برادر در ۴۱۱ ق، عهده‌دار امامت زیدیان نواحی جبال شد. درباره شرح حال وی به تفصیل در مقاله دیگری سخن گفته‌ام.<sup>۱۵</sup> از این رو در اینجا فقط به ذکر مطالبی می‌پردازم که در آن نوشتار سخن نرفته است و آن اهمیت کتاب وی یعنی متنی حدیثی به نام تیسیر المطالب است. این کتاب از جنبه‌های مختلفی اهمیت دارد که به برخی از این وجوه در این مجال اشاره می‌کنم.

الف: اهمیت حدیثی تیسیر المطالب، از آثار مهم حدیثی ابوطالب هارونی، کتاب الامالی اوست.<sup>۱۶</sup> این کتاب به صورت اصلی آن به دست ما نرسیده و آنچه امروز موجود است، ترتیب جدید آن (تبویب) توسط قاضی جعفر بن عبدالسلام مسوری (متوفی ۵۷۳ ق) است.<sup>۱۷</sup> این کتاب را سال‌ها قبل علی عبدالکریم الفضیل (بیروت: مؤسسه العلمی ۱۹۷۵) منتشر کرده است. اشکال جدی چاپ فضیل، غیرانتقادی بودن آن و تصحیف اسامی رجال احادیث بوده است، همین امر محقق زیدی معاصر عبدالله بن حمود العزیزی<sup>۱۸</sup> را بر آن داشت تا تصحیح جدیدی از این کتاب ارائه دهد. تنها اشکال جدی چاپ آقای عزیزی، عدم تخریح احادیث کتاب است. ایشان در توجیه عدم تخریح

نجاشی (کتاب الرجال، ص ۲۶) در اشاره به او می‌نویسد: «سکن مصر و ولده بها و له کتب یرویهما عن ابيه عن آبائه، منها کتاب الطهارة، کتاب الصلاة، کتاب الزکاة، کتاب الصوم، کتاب الحج، کتاب الجنائز، کتاب الطلاق، کتاب النکاح، کتاب الحدود، کتاب الدعاء، کتاب السنن و الآداب، کتاب الرؤیا».

أخبرنا الحسين بن عبيدالله قال حدثنا ابو محمد سهل بن أحمد بن سهل قال حدثنا ابو علي محمد بن محمد بن الاشعث بن محمد الكوفي بمصر قراءة عليه قال حدثنا موسى بن اسماعيل بن موسى بن جعفر قال حدثنا أبي بكتبه<sup>۲۷</sup> شيخ طوسي (متوفی ۴۶۱) نیز همین مطلب را با تفاوت اندک ولی مهمی آورده است. شیخ طوسی می‌نویسد: «سکن مصر، و ولده بها. و له کتب یرویهما عن ابيه عن آبائه مبوبة، منها کتاب الطهارة، کتاب الصلاة، کتاب الزکاة، کتاب الصوم، کتاب الحج، کتاب الجنائز، کتاب الطلاق، کتاب النکاح، کتاب الحدود، کتاب الدیات، کتاب الدعاء، کتاب السنن و الآداب، کتاب الرویاء».

أخبرنا بها الحسين بن عبيدالله قال أخبرنا ابو محمد سهل بن احمد بن سهل الديباجی قال حدثنا ابو علي محمد بن محمد بن الاشعث بن محمد الكوفي بمصر قراءة عليه من كتابه، قال حدثنا موسى بن اسماعيل بن موسى بن جعفر عليهما السلام قال حدثنا أبي» (الفهرست، ص ۲۶-۲۷).

در اینجا این سؤال مطرح است که آیا مراد از این وصف کتاب الاشعثیات نیست؟ مؤید ضمنی این حدس، گفته خطیب بغدادی (متوفی ۴۶۳ ق) است. خطیب بغدادی در شرح حال ابوعلی عبدالله بن علی بن ابراهیم علوی می‌نویسد: «من أهل بغداد، قدم مصر و سكنها و كان يمتنع من التحديث ثم حدث و كتبت عنه عن البغداديين و كانت عنده كتب تسمى الجعفرية فيها فقه على مذهب الشيعة يرويها و علت سنه» (تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۳۴۴-۳۴۵). و صفی که خطیب بغدادی آورده، مؤید حدس ماست و آنچه نجاشی و شیخ طوسی ذکر کرده‌اند، در حقیقت فهرست ابواب کتاب الاشعثیات است. این کتاب مورد استفاده شیخ طوسی در کتاب التهذیب و شیخ صدوق در آثار متعددش بوده است.<sup>۲۸</sup> قاضی نعمان مغربی (متوفی ۳۶۳ ق) نیز در اولین و مفصل‌ترین تألیف حدیثی خود، الايضاح، از این کتاب به طور مستقیم استفاده کرده است.<sup>۲۹</sup> ابوطالب هارونی نیز چند روایت از کتاب الاشعثیات را با این سلسله سند روایت کرده است: «أخبرنا أبو احمد عبدالله بن عدی الحافظ (متوفی ۳۶۵ ق) قال أخبرنا محمد بن محمد

خطی این کتاب که در یمن کتابت شده، اکنون در مجموعه ۱۱۴۷ نسخه‌های عربی و اتیکان موجود است.<sup>۲۵</sup> هرچند به علت عدم ذکر نام طبری، در متن کتاب یا آغاز کتاب، در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه و اتیکان، به عنوان اثری مجهول المؤلف معرفی شده است. اهمیت نقل قول‌هایی که هارونی از این کتاب آورده، در این است که نسخه موجود افتادگی دارد و برخی از نقل قول‌های هارونی از طبری در نسخه خطی موجود نیست و از این جهت این نقل‌ها اهمیت فراوانی دارد. هارونی از این کتاب به نحو مستقیم از طبری نقل روایت کرده و در مواردی اضافاتی نیز بر کلام طبری افزوده است. فهرست این موارد چنین است: ص ۷۷-۷۸، ۸۸-۸۹، ۹۰-۹۲، ۹۶-۹۹، ۱۰۳-۱۰۵، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۳-۱۲۴، ۱۲۸، ۱۸۲ (أملی علينا ابو الحسن علی بن مهدی که به ابو الحسن بن علی بن مهدی تصحیف شده است)، ۲۱۰ (حکى لنا ابو الحسن)، ۲۲۰-۲۲۶، ۲۵۳، ۲۶۵، ۴۲۴-۴۲۵، ۴۴۹-۴۵۱، ۴۶۱-۴۶۲، ۴۶۴، ۴۶۶-۴۶۷ (هارونی بر این روایت، اضافاتی افزوده است)، ۴۶۸، ۴۸۷-۴۸۹، ۵۰۳-۵۰۴ (با تصحیف نام ابو الحسن علی بن مهدی به ابو الحسن علی بن محمد) ۵۶۳، ۵۶۵-۵۶۶، ۵۸۰-۵۸۱، ۵۸۵.

۵- سنن ابوداود، یکی از مجامع معتبر حدیثی اهل سنت، سنن ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی است. هارونی از این کتاب روایات فراوانی را به طریق خود در روایت این کتاب (حدثنا عبدالله بن محمد القاضی ببغداد قال حدثنا علی بن الحسن بن العبد قال حدثنا ابوداود سلیمان بن الاشعث) نقل کرده است (ص ۷۸-۷۹، ۱۴۷-۱۴۸، ۳۰۴، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۳۶-۳۳۷، ۳۳۸-۳۳۹، ۳۴۰-۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۲، ۳۶۰، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۷-۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۹-۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۸، ۳۹۶، ۴۰۷، ۴۲۳، ۴۳۱، ۴۳۶، ۴۴۰-۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۴-۴۴۵، ۴۴۵، ۴۴۹، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۶-۴۶۷، ۴۶۷، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۹، ۵۰۰-۵۰۱، ۵۲۲، ۵۲۳-۵۲۴، ۵۲۴-۵۲۵، ۵۲۶-۵۲۷، ۵۲۹-۵۳۰، ۵۳۸، ۵۴۰، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۳-۵۶۴، ۵۷۰-۵۷۱، ۵۷۲-۵۷۳، ۵۷۸، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶).

۶- کتاب الجعفریه یا الاشعثیات، یکی از متون کهن امامیه که روایت آن حتی در محافل اهل سنت نیز متداول بوده است، کتابی حاوی هزار حدیث به نام الاشعثیات یا الجعفریه است.<sup>۲۶</sup> راوی این کتاب موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر بن محمد علیهم السلام است.

۲۳۰، ۲۹۷، ۳۱۱، ۳۲۶، ۳۷۰، ۳۷۷، ۳۸۷، ۴۳۴، ۴۳۸-۴۳۹، ۴۴۱، ۴۴۳-۴۷۳، ۴۷۴، ۵۰۶-۵۰۷، ۵۴۴، ۵۶۹) طریق دوم چنین است: (أخبرنا ابو عبد الله محمد بن زید بن علی بن جعفر بن محمد بن زید بن علی بن الحسين بن علی بن ابی طالب قال أخبرنا الناصر للحق الحسن بن علی (ص) ۶۲، ۹۹، ۱۰۲-۱۰۳، ۱۰۶-۱۰۷، ۱۰۸-۱۰۹، ۱۱۶، ۱۳۹، ۱۵۲-۱۵۳، ۱۵۳، ۱۸۳-۱۸۴، ۲۰۳-۲۰۲، ۲۱۹-۲۲۰، ۲۷۱-۲۷۲، ۳۲۰-۳۲۱، ۳۷۵-۳۷۶، ۴۱۰، ۴۴۵-۴۴۶، ۵۱۹، ۵۴۰، ۵۶۲).

۹- مقاتل الطالبيين ابوالفرج اصفهانی، یکی از مهم ترین آثار ادبیات مقاتل نگاری که عمدتاً در قرون اولیه به شرح قیام علویان اختصاص داشته، کتاب مقاتل الطالبيين تألیف عالم زیدی ابوالفرج علی بن حسین قرشی اصفهانی (متوفی ۳۵۶ ق) است.<sup>۳۱</sup> اهمیت این کتاب، سوای ارایه مفصل گزارش هایی درباره قیام های علویان، بهره بردن از آثار مکتوبی است که در اختیار ابوالفرج بوده است، ولی اکنون موجود نیستند. ابوطالب هارونی نیز در ضمن نقل اخبار تاریخی، از این کتاب بهره برده و به طریق خود به این کتاب (أخبرنا احمد بن محمد البغدادی قال أخبرنا ابوالفرج علی بن الحسين القرشی المعروف بابن الاصبهانی) روایات فراوانی را نقل کرده است (ص ۱۲۷-۱۲۹، ۱۳۵-۱۳۶، ۱۶۳-۱۶۴، ۱۷۲-۱۷۳، ۱۷۸-۱۸۰، ۱۸۱-۱۸۲، ۱۸۴-۱۸۵، ۱۸۵، ۱۹۱-۱۹۲، ۲۷۱-۲۸۰، ۴۰۴-۴۰۵، ۴۰۶-۴۰۷، ۵۷۱). اهمیت کتاب هارونی فقط محدود به بهره گیری وی از منابع مکتوب نیست. اطلاعاتی که از این کتاب درباره مشایخ هارونی به دست می آوریم<sup>۳۲</sup>، بسیار با اهمیت است. مهم ترین استاد هارونی و شیخ حدیثی او، ابوالعباس احمد بن ابراهیم حسنی (زنده در ۳۵۶ ق) است<sup>۳۳</sup> که هارونی روایات فراوانی را از وی نقل کرده است.<sup>۳۴</sup> در یک جا هارونی تأکید دارد که روایات خود را از حسنی به صورت املاء دریافت کرده است (ص ۴۵۴). استاد دیگر هارونی ابوالحسین علی بن مهدی طبری است که هارونی کتاب نزهة الانصار و محاسن الآثار وی را به سماع از او نقل کرده است. (حکى لنا ابوالحسین، ص ۲۱۰). روایتی نیز به نقل از ابوالحسین زاهد مؤلف اخبار (سیره) ناصر اطروش (ص ۲۸۹-۲۹۰) نقل کرده که به دلیل عدم موجود بودن سیره ناصر اهمیت فراوانی دارد. در مواردی هارونی از مشایخ خود به نحو عام و با عبارت هایی چون حدیثی مشایخنا (ص ۱۷۷، ۵۸۰)، حکى مشایخنا (ص ۱۷۴، ۱۸۳-۱۸۴) یاد کرده و مطالبی را نقل کرده است. در یک جا هارونی از کتاب الدلائل الواضحة و الحجج الناصحة ناصر اطروش نقل آورده است

بن الاشعث الكوفی بمصر فی شهر رمضان سنة خمس و ثلاثمائة قال حدیثی موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر بن محمد قال حدیثی ابی اسماعیل بن موسی عن ابيه عن جده جعفر بن محمد (ص ۲۳۸) یا تصحیف به خمسين و ثلاثمائة، ۳۰۸-۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۲۳-۳۲۴، ۳۳۷، ۳۴۳-۳۴۴، ۳۴۴-۳۴۵، ۳۴۵-۳۴۶، ۳۵۱-۳۵۲، ۳۴۳-۴۴۴، ۴۵۶، ۴۸۱-۴۸۲، ۴۸۴، ۴۸۴-۴۸۵، ۵۷۴-۵۷۵).

۷- امالی احمد بن عیسی بن زید، یکی از متون کهن حدیثی زیدیه، مجموعه ای حدیثی تدوین شده توسط محمد بن منصور مرادی (متوفی ۲۹۲ ق) است که اغلب احادیث آن روایاتی است که احمد بن عیسی بن زید (متوفی ۲۴۷ ق) به اسناد خود از متون کهن تر چون اصل ابوالجارود زیاد بن منذر نهدی (نک: مدرسی، ص ۱۲۳-۱۲۴)، المجموع الفقهي والحديثی زید بن علی به تدوین کوفی آن (روایت حسین بن علوان از ابو خالد واسطی از زید بن علی)<sup>۳۵</sup> و متون دیگر چون جامع حفص بن غیاث (نک: مدرسی، ص ۲۳۳) برای وی روایت کرده است. این کتاب از حیث احتواء بر آراء فقهی قاسم بن ابراهیم رسی (متوفی ۲۴۶ ق) نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. طریق هارونی در تخریج روایاتی از این کتاب چنین است: أخبرنا ابواحمد علی بن الحسين بن علی الديباجی ببغداد قال أخبرنا ابوالحسین علی بن عبدالرحمن بن عیسی بن ماتی قال حدثنا محمد بن منصور... (ص ۳۰۶-۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۳۲-۳۳۳، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۵-۳۶۶، ۳۷۰، ۳۷۱-۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۶، ۳۹۳، ۴۰۳، ۴۲۷، ۴۳۵، ۴۸۱، ۴۹۱، ۵۱۱، ۵۱۶).

۸- کتاب یا آثاری از ناصر اطروش، یکی از جنبه های با اهمیت کتاب تیسیر المطالب اطلاعات ارزشمندی است که از آن درباره شاگردان دیگر عالمان زیدی می توان به دست آورد. از این دست اطلاعات، مطالبی است که هارونی به نقل از ناصر اطروش حسن بن علی (متوفی ۳۰۴) آورده است. هارونی به دو طریق روایاتی را از طریق ناصر اطروش نقل کرده است. احتمالاً این روایات به نقل از کتاب البساط یا آثار دیگر ناصر اطروش باشد، البته در صورتی که ناصر اطروش خود فرد راوی در طریق روایت احادیث نباشد، کما اینکه برخی از احادیث، چنین حکمی دارند. طریق اول چنین است: «أخبرنا ابوالحسین علی بن اسماعیل الفقیه قال أخبرنا الناصر للحق الحسن بن علی قال أخبرنا محمد بن منصور المرادی» (ص ۵۵-۵۶، ۶۴ (امالی احمد بن عیسی بن زید)، ۹۵-۹۶، ۱۶۲، ۱۶۴-۱۶۵، ۱۹۹،



(ص ۱۹۳) همین گونه از دیگر آثاری که هارونی به نام آنها تصریح کرده، می توان به دو نقل قول از کتاب الالفاظ ابو عبدالله ولیدی (ص ۲۸۶، ۴۳۷) و نقلی از کتاب الوزراء و الكتاب جشیاری (ص ۵۴۹-۵۵۰) اشاره کرد. در یک مورد نیز از نام کتابی درباره هشام مختار فقط به صورت «ذکر من صنف اخبار مختار عن هشام بن السائب الکلبی» (ص ۱۹۸-۱۹۹) یاد کرده است.

#### پی نوشتها:

۱- برای مطالعات عام درباره زیدیه به این آثار رجوع کنید: اشواق احمد مهدی غلیس، التجدید فی فکر الامامة عند الزیدية فی الیمن (قاهره: مکتبه مدبولی، ۱۴۱۷/۱۹۹۷)؛ احمد محمود صبحی، الزیدية (قاهره: الزهراء للاعلام العربی، الطبع الثاني، ۱۹۸۴)؛ همو، الامام المجتهد: یحیی بن حمزه وآراؤه الکلامیه (بیروت: منشورات العصر الحدیث، الطبع الاول، ۱۹۹۰)؛ یحیی الفضیل، من هم الزیدية (عمان: جمعیه عمال المطابع التعاونیه، الطبع الثالث، ۱۹۸۱)؛ حسین أحمد السیاعی، اصول المذهب الزیدی الیمنی و قواعده (صنعا: مکتبه غمضان لاحیاء التراث الیمنی، ۱۹۸۴)؛ عبدالعزیز المقالح، قراءة فی فکر الزیدية و المعتزلة (بیروت: دار العودة، ۱۹۸۲)؛ عبدالفتاح شایف نعمان، الامام الهادی والیا و فقیهاً و مجاهداً (بیروت: مؤسسه بعینو للتجلید، ۱۹۸۹)؛ علی بن عبدالکریم الفضیل شرف الدین، الزیدية نظریة و تطبیق (عمان: جمعیه عمال المطابع التعاونیه، ۱۹۸۵)؛ علی محمد زید، معتزلة الیمن: دولة الهادی و فکره (بیروت: دار العودة: الطبع الثاني، ۱۹۸۵)؛ فضیلة عبدالأمیر الشامی، تاریخ الفرقة الزیدية بین القرنین الثاني و الثالث الهجری (بغداد: مطبعة الآداب، ۱۹۷۴)؛ سیدعلی موسوی نژاد، معرفی آثار منتشر شده زیدیه، هفت آسمان، شماره چهاردهم، سال چهارم (تایستان ۱۳۸۱)، ص ۱۶۱-۱۹۷؛ همو، کتاب های حدیثی منتشر شده از زیدیه (۱)، علوم حدیث، سال هفتم، شماره سوم (پاییز ۱۳۸۱)، ص ۱۵۶-۱۸۶؛ همو، کتاب های حدیثی منتشر شده از زیدیه (۲)، علوم حدیث، سال هشتم، شماره سوم (پاییز ۱۳۸۲)، ص ۱۳۲-۱۵۸؛ سید یحیی طالب مشاری، التعرف علی زیدية الیمن، طلوع، سال دوم، شماره ۵ بهار ۱۳۸۲، ص ۱۱۳-۱۳۱؛ گفتگو با استاد عبدالسلام بن عباس الوجیه از نویسندگان و پژوهشگران زیدی یمن، علوم حدیث، شماره ۲۸ (تایستان ۱۳۸۲)، ص ۲۴۷-۲۶۷؛ حسن انصاری قمی، تاریخ مسلم لُحْجی، معارف، دوره پانزدهم، شماره ۳، (آذر اسفند، ۱۳۷۷)، ص ۱۳۲-۱۵۲؛ همو، وصیت جنید بغدادی و یادداشتی کوتاه درباره سیاست المریدین،

معارف، دوره هفدهم، شماره (مرداد-آبان ۱۳۷۹)، ص ۱۴۱-۱۴۷؛ همو، ابوزید علوی و کتاب او در امامیه، معارف، دوره هفدهم، شماره ۱ (فروردین - تیر ۱۳۷۹)، ص ۱۲۵-۱۲۹؛ همو، کتابی ارزشمند در تاریخ امامان زیدی از مؤلفی طبری، کتاب ماه دین، سال سوم، ش ۹ (تیر ۱۳۷۹/۱۴۲۱)، ص ۱۲-۱۶؛ همو، اخبار الدولة السلجوقیه، معارف، دوره هفدهم، شماره ۱ (فروردین - تیر ۱۳۷۹)، ص ۱۶۷-۱۷۲؛ همو، زیدیه و چالش حنابله و معتزله، کتاب ماه دین شماره ۳۶، (مهر، ۱۳۷۹)، ص ۳-۶؛ همو، کتاب های صوفیانه زیدیان ایرانی و یمنی، آیینة میراث، سال چهارم، شماره ۳ (زمستان ۱۳۸۰)، ص ۲۴-۲۹؛ همو، ابو القاسم بستی و کتاب المراتب، کتاب ماه دین (آذر-دی ۱۳۷۹)، شماره ۲۸-۳۹، ص ۳-۹؛ محمد کاظم رحمتی، ابوالطالب هارونی و کتاب الدعامة فی تثبیت الامامة، کتاب ماه دین (آذر ۱۳۸۱)، ص ۸۵-۸۷؛ همو، نویافته های درباره نهج البلاغه، کتاب ماه دین، شماره ۶۸-۶۹ (خرداد-تیر ۱۳۸۲)؛ ص ۸۴-۸۸؛ همو، معرفی جلاء الأنصار فی متون الأخبار (متنی حدیثی از میراث معتزله)، علوم حدیث، شماره ۲۱ (پاییز ۱۳۸۰)، ص ۱۰۳-۱۳۶؛ سید حسین مدرسی، حاکم جشمی و کتاب رساله ابلیس، ترجمه محمد کاظم رحمتی، کتاب ماه دین، شماره ۷۲ (مهر ۱۳۸۲)، ص ۴-۷؛ ماهر جرار، تفسیر ابی الجارود عن الامام الباقر: مساهمة فی دراسة العقائد الزیدية المیکره، الابحاث، سال ۵۰-۵۱ (۲۰۰۲-۲۰۰۳)، ص ۳۷-۹۴؛ ایمن فؤاد سید، مصادر التاريخ الیمن فی العصر الاسلامی (قاهره، ۱۹۷۴)؛

Wilferd Madelung, *Der Imam al-Qasim ibn Ibrahim und die Gloubenslehre der Zaidite* (Berlin, 1965).

۲- درباره ابوالحسین هارونی ر.ک: مجد الدین بن محمد بن منصور المؤیدی، التحف شرح الزلف (صنعا، ۱۹۹۷/۱۴۱۷)، ص ۲۱۱-۲۱۲.  
۲- درباره وی اطلاعات چندانی در منابع زیدیه موجود نیست، تنها نام او در سلسله سند روایات امالی صغری ابوالحسین هارونی آمده است. ر.ک: ابوالحسین الهارونی، الامالی الصغری، تحقیق عبدالسلام بن عباس الوجیه (صنعا: دار التراث الاسلامی، ۱۴۱۴/۱۹۹۳)، ص ۷۴؛ ابراهیم بن القاسم بن الامام المؤید بالله، طبقات الزیدية الکبری، تحقیق عبدالسلام بن عباس الوجیه (عمان، ۱۴۲۱)، ج ۲، ص ۷۲۵.  
۴- درباره وی بنگرید به: عبدالسلام بن عباس الوجیه، اعلام المؤلفین الزیدیه (عمان، ۱۴۲۰)، ص ۶۶۲. وی مؤلف کتاب تنمة المصاییح است که همراه با کتاب المصاییح ابوالعباس حسنی به چاپ رسیده است.

رسالتهم الموسومة بالبلاغ السابع وربما سموها البلاغ الاكبر والناموس الا عظم لكنى احيل من آراء الوقوف على باطنهم وسرائرهم على هذه الكتب فانها مشهورة معروفة معروضة لمن ارادها» اثبات نبوة النبي، ص ۱۲ - ۱۳. ابوزيد علوی، عالم نامدار زیدی و مؤلف کتاب الاشهاد است که به تفاریق در ضمن کتاب نقض الاشهاد ابن قبه باقی مانده است. ر.ک: سیدحسین مدرسی طباطبائی: مکتب در فرایند تکامل: نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین، ترجمه هاشم ایزدپناه (نیوجرسی، ۱۳۷۴)، ص ۲۰۳ - ۲۳۶.

۱۲- نقلی از این کتاب را حمید بن احمد بن احمد معلی آورده است. ر.ک: حمید بن احمد بن محمد المحلی، الحدائق الوردية في مناقب ائمه الزيدية، تحقيق مرتضى بن زيد المحطوري الحسيني (صنعاء، ۱۴۲۳)، ج ۲، ص ۲۰ - ۲۴، ۴۰. ۱۳- درباره اهمیت این وصیت نامه بنگرید به حسن انصاری قمی، وصیت جنید بغدادی و یادداشتی کوتاه درباره سیاست المریدین، معارف، دوره هفدهم، شماره ۱ (مرداد آبان ۱۳۷۹)، ص ۱۴۱ - ۱۴۷.

۱۴- ر.ک: محمدتقی دانش پژه، دو مشیخه زیدی در نامه مینوی: مجموعه سی و هشت گفتار در ادب و فرهنگ ایرانی به پاس پنجاه سال تحقیقات و مطالعات مجتبی مینوی، زیر نظر حبیب یغمایی و ایرج افشار (تهران، ۱۳۵۰)، ص ۱۶۷، ۱۷۴، ۱۸۳.

۱۵- محمد کاظم رحمتی، ابوطالب هارونی و کتاب الدعامة فی تثبیت الامامة، کتاب ماه دین (آذر، ۱۳۸۱)، ص ۸۵ - ۸۷. ۱۶- ظاهر آبن طاووس از تحریر اصل این کتاب بهره برده باشد. ر.ک: حسن انصاری قمی، زیدیه و منابع مکتوب امامیه، علوم حدیث، شماره ۲۰ (تابستان ۱۳۸۰)، ص ۱۵۳، بی نوشت ۴.

۱۷- درباره این عالم زیدی و اهمیت او در انتقال میراث زیدیه به یمن ر.ک: طبقات الزیدیه الکبری، ج ۱، ص ۲۷۳ - ۲۷۸؛ التحف شرح الزلف، ص ۲۳۳ - ۲۳۵؛ محمد کاظم رحمتی، کتابی مهم در رجال و تاریخ زیدیه، کتاب ماه دین، شماره ۷۳ (آبان ۱۳۸۲)، ص ۱۱ - ۱۲. ۱۸- درباره وی ر.ک: اعلام المؤلفین الزیدیه، ص ۵۸۷.

۱۹- محمد کاظم رحمتی، صحیفة الرضا به روایت شیخ صدوق و ابو عبد الرحمن سلمی، کتاب ماه دین، شماره ۷۰ - ۷۱ (مرداد - شهریور ۱۳۸۲)، ص ۶۱ - ۶۵. ۲۰- درباره روایت علی بن ابراهیم قطان از ابن ماجه ر.ک: رافعی، التدوین، ج ۲، ص ۲۷۲ - ۲۷۳.

۲۱- همانند تدوین حسین بن علوان که مورد استفاده قاضی نعمان در

ایمن فؤاد سید در معرفی کتاب المصاییح حسنی متوجه این مطلب نشده است و تمام کتاب را یعنی المصاییح و تتمه را به عنوان تألیف حسنی یاد کرده است. ر.ک. ایمن فؤاد سید، مصادر التاريخ الیمن فی العصر الاسلامی (قاهره، ۱۹۷۴)، ص ۸۴.

۵- درباره وی بنگرید به: طبقات الزیدیه الکبری، ج ۳، ص ۱۲۷۲ - ۱۲۷۴؛ اعلام المؤلفین الزیدیه، ص ۱۱۷۵. ۶- درباره وی بنگرید به: طبقات الزیدیه الکبری، ج ۳، ص ۱۲۹۲ - ۱۲۹۳؛ اعلام المؤلفین الزیدیه، ص ۳۱۲ - ۳۱۳. ۷- درباره وی ر.ک: التحف شرح الزلف، ص ۸۸؛ اعلام المؤلفین الزیدیه، ص ۱۰۴.

۸- درباره وی و اهمیت کتاب الاعتبار و سلوة العارفين او در مقاله ای سخن گفته ام. ر.ک: محمد کاظم رحمتی، بازمانده هایی از کتاب الزواجر و المواعظ، آیینة پژوهش، شماره ۸۴.

۹- درباره متون حدیثی زیدیه و اعتبار آنها نزد زیدیه ر.ک: مجدالدین بن محمد بن منصور العینی المؤیدی، لواعم الانوار فی جوامع العلوم والآثار و تراجم أولى العلم والأنظار (صعدة: مکتبة التراث الاسلامی، ۱۴۱۴/۱۹۹۳) در سه جلد. ۱۰- روایات مروی از یغتم بن سالم بن قنبر در میان امامیه رواج نداشته است. ابن بطریق چند روایت از وی به روایت اهل سنت در کتاب العمدة (ص ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۰) نقل کرده است. ابن شهر آشوب نیز روایت طبر را به سلسله سند خود به یغتم بن سالم (حدثنی ابن کادش العکبری عن ابی طالب العربی العشاری عن ابن شاهین المروزی فی ما قرب سنده قال حدثنا محمد بن الحسین بن حمید قال حدثنا ابراهیم بن محمد العامری قال حدثنا یغتم بن سالم بن قنبر) نقل کرده است. مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۲۸۲. همچنین حدیث مشهور الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة را نیز به همان سلسله سند آورده است. ج ۲، ص ۳۹۴. نام یغتم در متون امامیه اغلب به نعیم (ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۲۸۲، ۳۹۴) و به نقل از همو در بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۵۱، ج ۶۰، ص ۳۱۰، ج ۴۳، ص ۲۹۱) تصحیف شده است.

۱۱- جالب توجه در این کتاب، اشاره ابوالحسین هارونی به برخی آثار در نقد اسماعیلیه است. وی در این باره چنین نوشته است: «ولولا أنه ليس غرضنا في كتابنا هذا وصف أقوالهم و نشر قضائهم، و بسط مقابحهم من فساد عقائدهم و مساوی... من الأشراف و العلماء في كتبهم المصنفة في هتك أستارهم و اذاعة أسرارهم، نحو أبی زید عیسی ابن محمد العلوی الحسینی و أبی جعفر بن قبة الرازی و أبی عبدالله ابن رزام الكوفي و أبی احمد بن عبدک الجرجانی و غیرهم - رحمة الله علیهم ثم ذکرت ما فی

والحدیثی زید بن علی به روایت حسین بن علوان رک: قاضی نعمان. کتاب الايضاح.

۳۱- درباره ابوالفرج اصفهانی رک: تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۳۹۷ -

۳۹۹: مدخل ابوالفرج اصفهانی در دائرة المعارف بزرگ اسلامی (ج ۶، ص ۱۲۶ - ۱۳۸) نوشته آذرتاش آذرنوش و علی بهرامیان.

۳۲- همچنین بنگرید به تیسیر المطالب، ص ۴۷۰ (شعری به نقل از

ابوالفرج المخزومی در بغداد)، ص ۲۷۲، نعرى به روایت ابوالفضل محمد بن حسن بن فضل بن مامون در بغداد از ابوالعتاهیه احمد بن یحیی و مطالبی به نقل از صاحب بن عباد کافی الکفاة، ص ۱۱۷.

۳۳- درباره حسنی، رک: التحف شرح الزلف، ص ۱۸۹ - ۱۹۰: اعلام

المؤلفین الزیدیه، ص ۷۸ - ۷۹:

Wilferd Madelung, *Der Imam al-Qasim ibn Ibrahim* (Berlin, 1965), pp. 172-75; idem, "Hasani", in *Encyclopedia Iranica*.

۳۴- تیسیر المطالب، ص ۷۰-۷۱، ۷۲، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷-۷۶،

۸۰-۸۱، ۸۴، ۸۹، ۹۰، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۶ -

۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹ -

۱۶۰، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۲، ۱۸۳ -

۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۲۶ - ۲۲۸، ۲۲۹،

۲۳۱، ۲۳۸، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۸۱، ۲۸۶، ۲۹۰، ۲۹۱ -

۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۲۱ - ۳۲۳،

۳۲۴ - ۳۲۵، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۴۶، ۳۶۴ -

۳۶۵، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۴، ۳۹۲، ۳۹۳، ۴۱۲، ۴۱۴ -

۴۱۶، ۴۱۹، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۴۳، ۴۴۸، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۵۹، ۴۶۲ -

۴۶۳، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۸، ۵۰۰، ۵۱۰ -

۵۱۳، ۵۱۴، ۵۲۳، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۳۵، ۵۴۳، ۵۴۵، ۵۵۷، ۵۶۶، ۵۸۱، ۵۸۹، ۵۹۲ -

۵۹۳.

کتاب الايضاح بوده است. بنگرید به ادامه.

۲۲- درباره وی رک: تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۲۷۴.

۲۳- درباره وی رک: تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۴۵۸.

۲۴- برای گزارش تفصیلی از این نسخه رک: حسن انصاری قمی، نهج البلاغه، پیش از نهج البلاغه، نشر دانش، سال ۱۹، شماره اول (بهار ۱۳۸۱)، ص ۶۳ - ۶۶.

25. Giorgio Levi Della, *Elenco dei Manoscritti arabi Islamici della Biblioteca vaticana, 1935- Vol.1.*

۲۶- نیز رک: کتابخانه ابن طاووس، ص ۳۱۹ - ۳۲۰.

۲۷- ابن عساکر (متوفی ۵۷۱) نیز درباره روایت کتاب الجعفریه نوشته است: «قرأت علی ابی محمد عبدالکریم بن حمزه عن ابی زکریا عبدالکریم بن احمد بن نصر بن اسحاق البخاری أما عبدالغنی بن سعید حدثنی أبو سعید أحمد بن محمد الهروری قال: قال أبو احمد ابن عدی سمع منی أبو العباس بن عقدة كتاب الجعفرية عن ابی الاشعث وحدث بما عنی تاریخ مدينة دمشق، ج ۳، ص ۸. سلسله سند موجود در متن چاپی این کتاب نیز به روایت عالمان اهل سنت است.

۲۸- شیخ الطوسی، التهذیب (تهران، ۱۳۶۵)، ج ۶، ص ۳، ۲۶۵؛ همو، الاستبصار، (تهران، ۱۳۹۰ ق.) ج ۳، ص ۲۴؛ شیخ الصدوق، معانی الاخبار (قم، ۱۳۶۱ ش). ص ۳۹۰ - ۳۹۱. یحیی بن حسن حلی مشهور به ابن بطریق (متوفی ۶۰۰ هـ) در کتاب عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار (قم، ۱۴۰۷)، ص ۸۷؛ ابوالفتح کراچکی در کنز الفوائد (قم، ۱۴۱۰)، ج ۱، ص ۱۴۸ - ۱۴۹ از این کتاب نقل قول کرده اند. کتاب النوادر تألیف ابوالرضا ضیاء الدین فضل الله بن علی بن عبیدالله حسینی در حقیقت تخریجی از کتاب الاشعثیات است. این کتاب (النوادر) با این مشخصات به چاپ رسیده است: النوادر، تحقیق احمد صادقی اردستانی (قم، دارالکتاب). این کتاب را انتشارات دارالحدیث نیز با تحقیق دیگری نیز منتشر کرده است.

۲۹- رک: قاضی نعمان بن محمد بن حیون، الايضاح، تحقیق محمد

کاظم رحمتی در میراث حدیث شیعه، جلد دهم (قم، ۱۳۸۲).

۳۰- درباره حسین بن علوان رک: ابواحمد عبدالله بن عدی

الجرجانی، الکامل فی ضعف الرجال، تحقیق سهیل زکار (بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹)، ج ۲، ص ۳۵۹ - ۳۶۱. درباره روایت کتاب مجموع الفقهی

